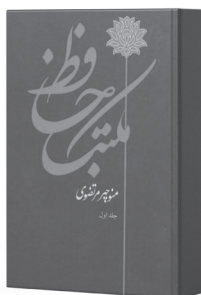


آغازی بر حافظ‌شناسی^۱

مهدی رحیم‌پور^۲



۱. نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی کتاب مکتب حافظ، مقدمه بر حافظ‌شناسی نوشته دکتر منوچهر مرتضوی می‌پردازد که نخستین بار در سال ۱۳۴۴ از سوی انتشارات کتابخانه ابن سینا به چاپ رسیده است. مقاله حاضر به مناسبت برگزاری بیست‌ویکمین نشست از سلسله نشست‌های صد کتاب ماندگار قرن تهیه شده است. در این نشست که در ۲۹ مهرماه ۱۴۰۳ با دبیری مسعود میرزایی برگزار شد، دکتر غلامعلی حداد عادل و دکتر نصرالله امامی (به صورت برخط) به بررسی کتاب یادشده پرداختند. ۲. عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

10.30484/JII.2025.3291 | mahdirahimpour7@gmail.com

• استناد: رحیم‌پور، مهدی (۱۴۰۴). آغازی بر حافظ‌شناسی. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی. (۱) ۱۵. ص ۱۰-۱۷.

این کتاب از بهترین رهیافت‌ها به
 شعر حافظ و رمزگشایی از مفاهیم
 کلیدی و نمادهای اساسی هنر او به
 حساب می‌آید. انتشار این کتاب را
 باید گشایش سرفصلی نوین در باب
 حافظ‌پژوهی معاصر دانست که تحقیق
 در مورد حافظ و دیوان او را از حالت
 انشانویسی تکراری خارج کرد.

مکتب حافظ: مقدمه بر حافظ‌شناسی، شناخته‌ترین اثر استاد منوچهر مرتضوی نزد عموم ادب‌دوستان است. این کتاب از بهترین رهیافت‌ها به شعر حافظ و رمزگشایی از مفاهیم کلیدی و نمادهای اساسی هنر او به حساب می‌آید. انتشار این کتاب را باید گشایش سرفصلی نوین در باب حافظ‌پژوهی معاصر دانست که تحقیق در مورد حافظ و دیوان او را از حالت انشانویسی تکراری خارج کرد. نقش خاص مؤلف کتاب و مباحث اصولی طرح شده در آن هر حافظ‌پژوهی را نیازمند و مشتاق مراجعه به آن ساخته است.

این اثر شامل یک مقدمه و سه باب است.

باب اول: مکتب حافظ، که شامل چهار بخش است:

۱. کلیاتی دربارهٔ تصوف؛

۲. تصوف عابدانه و عرفان عاشقانه که خود شامل دو فصل است: قیافه‌های جالب

طریقت که نمایندگی مشرب‌های مختلف تصوف را دارند، و تصوف عاشقانه و عابدانه؛

۳. اصول مکتب رندی؛

۴. حافظ و مشرب ملامتی و قلندری.

باب دوم: جام جم، پیر و عشق در دیوان حافظ. این باب هم شامل چهار بخش است:

۱. جام جم در دیوان حافظ که شامل چهار فصل است: بحث کلی دربارهٔ مفهوم جام

جم، جام جم در آثار دیگران، جام جم در دیوان حافظ، آمیختگی جام جم با کیه‌خسرو و

آیینۀ اسکندر و سلیمان و آب خضر؛

۲. پیر از نظر خواجه شیراز. این بخش شامل سه فصل است: پیر و اهمیت آن در تصوف، پیر از نظر مولانا، پیر در دیوان حافظ؛
۳. تأثر خواجه حافظ از داستان شیخ صنعان. این فصل شامل دو فصل است: تحلیل داستان شیخ صنعان در منطق الطیر عطار، تأثر حافظ از داستان شیخ صنعان؛
۴. عشق در دیوان حافظ که شامل چهار فصل است: کلیاتی درباره عشق و عرفان، عشق در مدارک کلاسیک تصوف، عشق از نظر مولانا، عشق از نظر خواجه شیراز.

باب سوم: رموز و اصطلاحات دیوان حافظ.

منوچهر مرتضوی در این کتاب، برای اولین بار، مباحث اساسی در زمینه حافظ پژوهی، از جمله: عشق و رندی و ملامتی‌گری را طرح کرده است. از مباحث اصلی و فرعی کتاب، می‌توان به مواد معنوی و عناصر فکری و ذوقی اشعار حافظ، مرامنامه مدون مکتب حافظ، حافظ و مشرب ملامتی و قلندری، وجوه اختلاف و اشتراک مشرب حافظ و روش ملامتیه و قلندریه، حلاج و شیخ صنعان، روش تحقیق درباره مفاهیم و مصطلحات عرفانی و ادبی حافظ، آمیختگی جام جم با کیخسرو و آیین اسکندر و سلیمان و آب خضر، اشاره کرد. در قسمت‌هایی از کتاب نیز افزون بر طرح موضوعاتی در زمینه شناخت شعر حافظ، نگاهی دقیق و ارزیابانه به سیر حافظ پژوهی در دهه‌های اخیر می‌اندازد.

- مکتب حافظ: مقدمه بر حافظ‌شناسی شش ضمیمه دارد: ۱. شیوه خاص حافظ؛
۲. ایهام، خصیصه اصلی سبک حافظ؛ ۳. راز اشعری مذهب بودن حافظ و مولانا؛
۴. نظری به برخی مشکلات و لطایف و نکات باریک اشعار حافظ؛ ۵. وصایای پیر مغان؛
۶. جمال پرستی و می و مستی.

مرتضوی در مقدمه، تصریح کرده است که: «شعر حافظ، جامع بلندی معنی و عمق تأثر و لطافت مضمون و ظرافت و زیبایی مفردات و کلمات و اعجاز در ترکیب کلام و مصنوعیت بی‌تکلف و ابهام و ایهام است.»^۱ او مشخصات اصلی شعر حافظ را در این موارد خلاصه کرده است: ۱. رموز و اصطلاحات خاص؛ ۲. ایهام؛ ۳. تشبیهات مضمّر و غیرمستقیم یا عالی؛ ۴. لحن عنادی و استهزآمیز خواجه؛ ۵. نکته‌دانی و ظرافت و شوخ‌طبعی یار حافظ؛ ۶. گوش‌نوازی کلمات و موسیقی کلام؛ ۷. اعجاز در انتخاب و ترکیب کلمات و ایجاد کلام عالی؛ ۸. استفاده از کلمات غیرفصیح و نامأنوس و ثقیل برای خلق کلام فصیح؛ ۹. ایجاد و استعمال وصف‌ها و ترکیب‌های تازه و بدیع.^۲

بخش‌های اول و دوم باب اول، به کلیاتی درباره تصوف و تصوف عابدانه و عرفان

۱. ص ۳.

۲. ص ۳۰۳.

عاشقانه اختصاص دارد که در این دو بخش، به مبحث تصوف می‌پردازد و تحلیلی تاریخی از این تفکر ارائه می‌کند. در بخش سوم این باب که به اصول مکتب رندی اختصاص دارد، به بحث رند بودن حافظ پرداخته و در بحثی مفصل، این موضوع را تحلیل و ارزیابی کرده است. نویسنده اعتقاد دارد دربارهٔ مکتب حافظ باید تحقیق مستقلی به عمل آید و مشخصات مشرب حافظ و ممیزات مکتب رندی روشن شود و برای این منظور، اصول مشرب حافظ از نظر فلسفی و اخلاقی را از هم تفکیک کرده و هرکدام را جداگانه مورد بحث قرار داده است. در همین راستا، مرتضوی به نکاتی که باید در تشخیص و ارزیابی اصول عرفانی و فلسفی و نیز اصول اخلاقی مکتب حافظ مورد توجه قرار گیرد، پرداخته است که خلاصه آن چنین است: نام و عنوان مکتب رندی، بیشتر مستنبط از جنبه‌های اخلاقی مشرب حافظ است، نه جنبه‌های فلسفی و عرفانی آن؛ دربارهٔ اساس مشرب فلسفی و عرفانی حافظ و امتیاز این مشرب از تصوف، این نکته باید مورد توجه باشد که حافظ از نظر فکری و روحی و عمق و وسعت دامنهٔ جولان اندیشه، متصوف نیست و مشربی نامحدودتر از مشرب صوفیه دارد؛ اندیشهٔ حافظ به چهاردیواری اندیشهٔ خیام محدود نمی‌شود، همچنان که ایمان حافظ به چهاردیواری افکار و اصول متصوفه محدود نیست؛ جذبات عشق الهی از عناصر اصلی مشرب عرفانی حافظ است؛ ولی متفاوت با متصوفان و خانقاهیان و نویسندگان کتب تصوف. برای تدوین مرامنامهٔ مکتب حافظ، بهتر است این مرامنامه را از دیوان خود او بجوییم.^۱

در بخش چهارم که «حافظ و مشرب ملامتی و قلندری» نام دارد، مؤلف معتقد است حافظ روش و مشرب قلندری دارد و حتی اطلاق قلندری هم در این مورد رسا و کافی نیست و شاید «رند» بهترین نام و عنوان برای او و مشربش باشد. به طور کلی حافظ، قلندر را در مفهومی خاص و ممتاز از تعاریف مذکور در مدارک تصوف

شعر حافظ، جامع بلندی معنی و عمق
تأثر و لطافت مضمون و
ظرافت و زیبایی مفردات و کلمات و
عجاز در ترکیب کلام و
مصنوعیت بی‌تکلف و ابهام و
ایهام است.

نام و عنوان مکتب رندی، بیشتر مستنبط از جنبه‌های اخلاقی مشرب حافظ است، نه جنبه‌های فلسفی و عرفانی آن؛ دربارهٔ اساس مشرب فلسفی و عرفانی حافظ و امتیاز این مشرب از تصوف، این نکته باید مورد توجه باشد که حافظ از نظر فکری و روحی و عمق و وسعت دامنهٔ جولان اندیشه، متصوف نیست و مشربی نامحدودتر از مشرب صوفیه دارد.

استعمال می‌کند و گویی تا آنجا که مربوط به تخریب عادات و ترک قیود و رسوم است، با روش قلندری موافقت دارد.^۱

نویسنده در بخش اول از باب دوم، به مفهوم «جام جم» در دیوان حافظ پرداخته و ضمن بررسی سابقهٔ این مفهوم و بازتاب آن در آثار شعری چون: سنایی، عطار، مولوی، مسعود سعد، امیر معزی و خاقانی، به بازتاب آن در دیوان حافظ اشاره کرده است. نویسنده معتقد است حافظ، بهتر از هرکسی، مفهوم جام جم را دریافته و زیباتر و عالی‌تر از هرکسی آن را استعمال کرده است.^۲

در دیوان حافظ، جام جم با جام شراب مستی بخشی حقیقی، یکی است. جام جم حافظ، شامل و متضمن مفهوم و مقصود دل پاک و مهذب عارف است که از غبار غرایز حیوانی و امیال جسمانی و احساسات دنیوی زدوده و قابل تجلی نور حقیقت، شده باشد.^۳

در فصل مربوط به «پیر» در دیوان حافظ، نویسنده بر آن است که حافظ، سالکان را به اطاعت محض از تعالیم و اوامر پیر و مرشد، تشویق می‌کند و معتقد است پیر هرچه فرمان دهد، عین صواب است:

به می سجاده رنگین کن، گرت پیر مغان گوید

که سالک بی خبر نبود، ز راه و رسم منزل‌ها^۴

این در حالی است که حافظ، به رغم اعتقادی که خود به لزوم پیر و مراد دارد، تصریح می‌کند که خود، پیری ندارد.^۵

استاد مرتضوی در بحث مربوط به تأثیر حافظ از شیخ صنعان، تصریح می‌کند که مسلّم است که شیخ صنعان، هستهٔ مرکزی شخصیت پیر تصویری حافظ است و به عبارت دیگر، ذهن حافظ، مجذوب شخصیت افسانه‌ای شیخ صنعان است.^۶ وی در ادامه، به جلوه‌های تأثیرپذیری حافظ از داستان شیخ صنعان می‌پردازد.

در فصل چهارم از بخش چهارم که به مقولهٔ عشق از نظر حافظ اختصاص یافته

۱. ص ۱۴۷.
۲. ص ۱۸۶، ۱۸۷.
۳. ص ۱۸۷.
۴. ص ۲۵۹.
۵. ص ۲۶۱.
۶. ص ۳۱۵.

است، نویسنده اعتقاد دارد حافظ عشق را غالباً، و بلکه همیشه (جز به ندرت و استثنا) در مفهوم کلی و عالی و معنوی آن، یعنی هیجان و حرکت به سوی معبود مطلق، استعمال می‌کند.^۱ از نظر مرتضوی، عشق از دید حافظ، موهبتی خدادادی است^۲ و امانت آسمانی و ودیعه الهی نزد بشر است.^۳ عالم و آدم، طفیل عشق‌اند^۴ و عشق عالی‌ترین وسیله تطهیر و تلطیف روح بشر است.^۵

باب سوم مکتب حافظ عبارت است از رموز و مصطلحات در دیوان حافظ که نویسنده آن را به دو قسمت تقسیم کرده است: الف) عناوین و مصطلحات مقبول و محبوب؛ ب) مصطلحات و کلمات منفور و مردود.^۶

برای قسمت اول می‌توان کلمات و اصطلاحاتی چون: رند، قلندر، پیر مغان، ترسابعه، میخانه، خرابات، مستی، مرید، طریقت، درویش و... را نام برد؛ و برای قسمت دوم، اصطلاحات و کلماتی چون: زاهد، شیخ، صلاح، تقوا، صوفی، خرقه، خانقاه و غیره.

در چاپ‌های بعدی، به تدریج اضافاتی بر متن اصلی کتاب با عنوان «ضمائم» افزوده شد که نهایتاً، شامل شش ضمیمه است.

ضمیمه اول که «شیوه خاص حافظ» نام دارد، در واقع متن خطابه‌ای است که در فروردین ۱۳۵۰، به مناسبت برگزاری کنگره سعدی و حافظ، در شیراز ایراد شده است. وی در این مقاله از ایهام، تناسب لفظی و معنوی و رمزپردازی یا سمبولیسم و لحن طنز و عناد، به عنوان مهم‌ترین عوامل و عناصر شیوه خاص حافظ یاد کرده، اما بر این نکته پای فشرده که مفهوم این عوامل در دیوان حافظ با مفهوم عادی آنها متفاوت است. مثلاً ایهام که از اساسی‌ترین مایه‌های شعری حافظ است، در اشعار حافظ به وسیله‌ای رساتر و شایسته‌تر از آنچه در منابع بدیع و صنایع شعری آمده تبدیل می‌شود.^۷

ضمیمه دوم، عبارت است از «ایهام، خصیصه اصلی سبک حافظ». استاد مرتضوی معتقد است بزرگ‌ترین هنر حافظ و مهم‌ترین خصیصه شعر او، ایهام است.^۸ وی در ادامه، مثال‌های متعددی از به‌کارگیری ایهام در دیوان حافظ می‌زند و نمونه‌هایی را نشان می‌دهد. نویسنده در پایان، برای پاسخ به این سؤال احتمالی مخاطب که چرا فقط ایهام را خصیصه اصلی شعر حافظ دانسته است، می‌گوید که: «صنایع بدیعی و بیانی، قالب اصلی شعر حافظ را تشکیل می‌دهند و به‌طور کلی می‌توان تناسب لفظی و معنوی را خصیصه بارز و عمومی شعر خواجه به شمار آورد و فقط با توجه به مفهوم وسیع و عام «ایهام» است که نگارنده آن را خصیصه اصلی سبک حافظ تشخیص داده، وگرنه ایهام مصطلح و محدود علم بدیع را نمی‌توان، ممتاز از صنایع دیگر بدیعی، خصیصه اصلی شعر خواجه شیراز محسوب داشت.»^۹

۱. ص ۳۹۹.

۲. ص ۴۰۰.

۳. ص ۴۰۰.

۴. ص ۴۰۱.

۵. ص ۴۰۳.

۶. ص ۴۳۱، ۴۳۰.

۷. ص ۴۴۳.

۸. ص ۴۵۵.

۹. ص ۵۱۲، ۵۱۳.

عنوان ضمیمه سوم، «راز اشعری مشرب بودن حافظ و مولانا» است. استاد مرتضوی، در مقدمه چاپ چهارم، درخصوص این ضمیمه نوشته است: «مقصود از اشعری بودن، اعم از اینکه واقعاً حافظ، اشعری بوده یا نبوده (که ظاهراً بوده)، داشتن مشرب اشعری در مقابل معتزلی مشربی است؛ یعنی پیروی از قبول شهودی و احساسی و تعبّدی، نه عقلی و منطقی که طبعاً با چهارچوب اشعری مناسب تر است... در مورد حافظ هم چنین است، با این تفاوت که ظاهراً حافظ خود نیز گرفتار حیرت و سرگردانی بوده و در واقع نمی دانسته چه می توان گفت و جهان را چگونه باید شناخت و گاهی نیز، با خلوص و اعتقاد قلبی یا به پیروی از عرفان و عرفا، مدّعی بوده که می توان حقیقت را شناخت و وسیله شناخت نیز جام جم یا آیینۀ اسکندر یا جام می و جام جهان بین یا دل بی غبار و بی زنگار است. به طور کلی می توان گفت که اگر مولوی در ایمان و یقین خود، خلوص و اخلاص مطلق داشته، حافظ نیز در حیرت و احوال متغیّر خود، تا حدّی خالص و مخلص بوده است.»^۱

ضمیمه چهارم، «نظری به بعضی مشکلات و لطائف و نکات باریک اشعار حافظ» است. نویسنده تأکید می کند سابقاً، مشکلات حافظ، بیشتر مشکلات معنوی و ماهوی بود و اکنون، مشکل انتخاب بهترین صورت و ضبط از میان نسخه های کهن متعدّد که در واقع شک بین دو غیرمشکل است، مشکل اصلی را تحت الشعاع قرار داده.^۲ استاد مرتضوی معتقد است مشکلات حافظ اصولاً سه نوع است و دیگر مشکلات، شاخه های یکی از این انواع باید محسوب گردد:

۱. آنچه تحصیل مفهوم محض و مقنع غیرممکن باشد. چنین مشکلاتی ناگزیر ناشی از ضعف تألیف است؛

۲. اشعاری که سابقاً در ردیف نوع اول بود؛ ولی با پیشرفت حافظ شناسی در مفهوم کلی و پیدا شدن نسخه های کهن و نسخه شناسی که از شاخه های حافظ شناسی است، امروز نمی توان آنها را مشکل لاینحل دانست، بلکه اصولاً حل شده محسوب می شود یا بالقوه حل شدنی است؛

۳. آنچه را که ظاهراً مشکل نشمرده اند و به نظر بنده مشکل اصلی حافظ همان هاست؛ یعنی مشکلاتی که به ویژگی های شعر حافظ و بیان سحرانه و مشرب پیچیده او بستگی دارد. در واقع چنین مشکلاتی، مشکل دیوان حافظ نیست، بلکه مشکل ماست که نمی توانیم از رنگین کمان جادویی لفظی و معنوی و لحن شعر حافظ و ترکیب و جمع عناصر بیت یا غزل در بسیاری از اشعار حافظ، بی به مقصود او ببریم.^۳ وی در ادامه به تحلیل و حل ابیاتی از حافظ می پردازد که بسیار جالب است.

ضمیمه پنجم، عبارت است از «وصایای پیر مغان» که مفصل ترین ضمیمه

۱. ص سی و یک. سی و دو.

۲. ص ۵۴۳.

۳. ص ۵۴۴.

ظاهراً حافظ خود نیز گرفتار حیرت و سرگردانی بوده و در واقع نمی‌دانسته چه می‌توان گفت و جهان را چگونه باید شناخت و گاهی نیز، با خلوص و اعتقاد قلبی یا به پیروی از عرفان و عرفا، مدّعی بوده که می‌توان حقیقت را شناخت و وسیلهٔ شناخت نیز جام جم یا آیینۀ اسکندر یا جام می و جام جهان‌بین یا دل بی‌غبار و بی‌زنگار است.

کتاب است.^۱ نویسنده گفته است که در دیوان حافظ «پیر مغان» تقریباً ۲۴ بار به صراحت ذکر شده و در اغلب موارد، حافظ به مضمونی شاعرانه و مریدانه یا اشاره به نکته‌ای اساسی اکتفا کرده است. در واقع این موارد بیشتر به معرفی پیر مغان و تأکید ارادت فوق‌العاده و اعتقاد محض و بی‌چون و چرای حافظ به پیر مغان و منظوری بسیار اساسی، اختصاص دارد.^۲ وی در این قسمت به بررسی و تحلیل بیش از پنجاه بیت پرداخته که در آنها مستقیم و غیرمستقیم به پیر مغان، اشاره شده است.

در ضمیمهٔ ششم که عنوان «حافظ و جمال‌پرستی و می‌پرستی» دارد، نویسنده با نگاهی گذرا به ابیاتی چند، نتیجه می‌گیرند که حافظ نیز متمایل به اصحاب جمال و جمال‌پرستان بوده، با همان توجیهی که صوفیان جمال‌پرست در نظر داشته‌اند. همچنین معتقد است «مستی» و «می» و «پیاله» و «جام» و «شرب مُدام» و «میخانه»، همه وسیله‌هایی برای نیل به مقصودی اساسی؛ یعنی مشاهدهٔ جمال دوست است؛ به عبارت دیگر، ارزش می و مستی و جام و میخانه، نسبی و برای نیل به شهود و مشاهدهٔ جمال ساقی است.^۳

پایان کتاب نیز شامل نمایه‌هایی متشکل از فهرست اشخاص، سلسله‌ها، کتب و اماکن است.

نثر کتاب بسیار استوار، سلیس و روان است و یکی از نمونه‌های بارز نثر تحقیقی در دورهٔ معاصر محسوب می‌شود.

این کتاب چندین بار چاپ شده است. اولین بار این در سال ۱۳۴۴ از سوی انتشارات کتابخانهٔ ابن‌سینا منتشر شد. سپس ناشرانی چون ستوده (تبریز) و توس (تهران) نیز اقدام به انتشار آن کردند و آخرین چاپ آن، در سال ۱۳۹۵، با سرمایهٔ انتشارات توس انجام گرفته است.

۱. ص ۱۶۶.

۲. ص ۶۵۴.

۳. ص ۷۸۸، ۷۸۹.